

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۹

بررسی عناصر شاعرانه در شعر ثنائی مشهدی

(ص ۳۷۵-۳۹۴)

فاطمه‌مینا (نویسندهٔ مسئول)^۱، محمدحسین کرمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

چکیده :

یکی از قصیده‌سرایان بزرگ قرن دهم هجری، خواجه حسین بن غیاث‌الدین محمد (وفات ۹۹۶) مشهور به ثنائی است. او در دوره‌ای میان افول سبک عراقی و ظهور سبک هندی میزیست. ثنائی توانست با دگرگون کردن سبک پیشین، تأثیرگذار در شیوه‌ای تازه و سبکی نو در شعر فارسی باشد؛ بنابراین تذکره‌نویسان و عده‌ای از پژوهشگران او را یکی از پیشگامان برجستهٔ سبک هندی میدانند. از خواجه حسین دیوان اشعاری بجای مانده، که شامل قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات، ساقی‌نامه، اسکندر نامه است.

این مقاله پس از بررسی نظرات مختلف در مورد ثنائی و اشعارش، به واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های شاعرانهٔ زبانی و ادبی و ویژگی‌های لفظی و معنوی اشعار او میپردازد و شعر ثنائی را از جهت کاربرد واژگان ویژه، باستانگرایی و آرکائیسیم، موسیقی‌های درونی و بیرونی، کناری و معنوی، انواع آرایه‌ها و صورخیال مورد بررسی قرار داده است.

کلمات کلیدی: ثنائی مشهدی، ویژگی‌های زبانی و ادبی، موسیقی، تخیل، عاطفه، ویژگی‌های لفظی و معنوی.

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز mina.fatemeh@yahoo.com

^۲ استاد دانشگاه شیراز

۱-مقدمه:

خواجه حسین پسر غیاث الدین محمد از قصیده سرایان بزرگ قرن دهم است که در مشهد به دنیا آمد. شغل پدر او در مشهد بزازی بود و از توانگران روزگار خود بشمار می‌آمد. این شاعر در دوران جوانی، تمایلی به سرودن شعر نداشته؛ اما با دیدن رؤیایی در خواب، به شعر و شاعری روی می‌آورد. تذکره میخانه، فخرالزمانی قزوینی: ص ۱۹۸) دیوان اشعار ثنائی؛ شامل قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات، ساقی‌نامه و اسکندرنامه است.^۱

خواجه حسین در مشهد به دربار ابراهیم میرزا، پسر بهرام میرزا صفوی، حاکم سبزوار و مشهد میبویند و این شاهزاده، او را مورد لطف قرار می‌دهد. (تذکره ریاض الشعراء، ص ۴۹) ثنائی، قصیده‌ها قصیده زیادی، در مدح او سروده. (مجمع الخواص، ص ۱۴۱) او ساقی‌نامه‌ای دارد که به مدح ابراهیم میرزا ختم شده و سپس آن را به او تقدیم کرده است. پس از کشته شدن ابراهیم میرزا و جلوس شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ ق) به دربار این شاه صفوی می‌رود. اما بدلیل بدگمان شدن شاه اسماعیل دوم نسبت به او، مجبور می‌شود که به هند سفر کند. در عصر صفوی تعدادی از شاعران و فضلا به هند سفر کرده و مورد عنایت و توجه پادشاهان تیموری هند قرار گرفته‌اند. خواجه حسین هم از شاعرانی است که به هند سفر میکند و به دربار جلال‌الدین اکبر شاه تیموری میبویند (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) واز عنایات و توجه این پادشاه بهره‌مند می‌شود اما آنطور که انتظار داشت از او قدردانی نمیشود و قدر و منزلت نمییابد. بعد از آشنایی با حکیم ابوالفتح گیلانی، در سایه حمایت او به شهرت میرسد. ثنائی بیشتر عمرش را در هند به سر برد و در سال ۹۹۶ در همانجا وفات مییابد. «...در همانجا هم مدفون شد؛ اما پس از چندی، میرزا باقر بن میر عربشاه مشهدی، خاله‌زاده وی، جسد او را به مشهد انتقال داد.» (مآثر رحیمی، صص ۳۶۰-۳۵۹)

در ادامه ابتدا به بیان عناصر زبانی اشعار ثنائی مشهدی، از قبیل کاربرد واژگان، ترکیبات، که هر کدام بصورتی مجزا در تأثیرگذاری شعر او، از هم گوی سبقت ربوده‌اند؛ میپردازیم. سپس عناصر ادبی اشعار او، اعم از موسیقی و تخیل را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، چرا که کاربرد درست موسیقی و عناصر خیال در بعضی از اشعار ثنائی (موسیقی بیرونی، درونی، کناری و موسیقی معنوی) به تناسب و هماهنگ شدن هرچه بیشتر کلام او افزوده است. آنگاه که شاعر، تجربه‌های خود را در بعد عاطفی بکار گرفته و توانسته با کمک گرفتن از قوه خیال خود به هنریتز شدن کلامش بیافزاید.

۲- پیشینه تحقیق

^۱- در بعضی از نسخه‌ها، ساقی‌نامه و اسکندرنامه آورده نشده است و تعدادی از این نسخه‌ها هم تنها به ساقی‌نامه یا اسکندرنامه اختصاص داده شده است.

برای کسب اطلاعات جامع درباره زندگی و آثار ثنائی مشهدی، باید به تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات رجوع کرد. تنها اثری که با رجوع به آن میتوان اطلاعات مفیدی، درباره ثنائی بدست آورد، کتاب تاریخ ادبیات اثر صفا است؛ زیرا ایشان تا حدودی توانسته، نقاط مبهم زندگی و آثار ثنائی را برای خوانندگان آشکار سازد؛ اما دیگر نویسندگان این آثار، اعم از تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات نتوانسته‌اند مانند او اطلاعات جامعی را در کتاب خود جمع‌آوری نمایند؛ زیرا با رجوع بهر کدام از این کتابها میتوان تنها به یک یا چند ویژگی زندگی و آثار ثنائی پی برد. بنابراین توجه به این اطلاعات، هرچند بصورت پراکنده، میتواند ما را به هدفمان رهنمون سازد.

در اینجا به تعدادی از آنها اشاره میشود. برای مثال رازی مینویسد: «او به قصیده که شگرفترین انواع سخن است، زیاده رغبت فرموده و بنای آن را نوعی نهاده که از رگ اندیشه خون چکانیده.» (تذکره هفت اقلیم، ج ۲: ۷۹۴ ص) «دیوان وی معروف و مشهور است.» (تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ص ۸۹۰) «او (عرفی) و حسین ثنائی از شعر عجب طالعی دارند که هیچ کوچه و بازاری نیست که کتابفروشان، دیوان هر دو کس را در سر راه گرفته و نایستند و عراقیان و هندوستانیان نیز به تبرک میخرند.» (منتخب التواریخ، ص ۳۸۵) «در اشتراک لفظ و معنی، خواجه حسین و مولانا محتشم شاعران خوبی هستند.» (مجمع‌الخواص، ص ۱۴۶) از میان تذکره‌نویسان دنبلی و فخرالزمانی او را سرکرده تازه‌گویان میدانند و معتقدند که او اولین کسی است که مورد روش متأخرین گردیده و خط نسخ بر طور قدما کشیده است. (بهارستان سخن، ص ۴۱۶ و تذکره میخانه، ص ۱۹۸) «از امیران کشور سخنوری و از دلیران معرکه معنی‌پروری بوده و...» (تذکره ریاض‌الشعرا، ص ۴۶۱)

گروهی از تاریخ ادبیات‌نگاران و نویسندگان دایره‌المعارفها و پیرو نظر آنان، دیگر نویسندگان با استفاده از گفته‌های تذکره‌نویسان درباره خواجه حسین، نظراتی را بیان کرده‌اند. صفا و سبحانی علت شهرت ثنائی را بخاطر دخالتی میدانند که در تغییر سبک داشته است. (تاریخ ادبیات در ایران، ۵/۲: ۷۸۲ و تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۰۷) نفیسی میگوید: «دیوانش که بیشتر شامل قصاید است دو هزار بیت دارد و مثنویات را هم خوب میسروده و از آن جمله ساقی‌نامه معروفی دارد.» (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، صص ۴۱۷-۴۱۶) اته بیان میکند: «خواجه حسین ثنائی، مشهدی است که قسمت عمده حیات خود را در هند بسر برد و مانند محتشم در سال ۹۹۶ در آنجا وفات یافت.» (تاریخ ادبیات فارسی، ص ۱۹۳) ویژگیهای بارز شعر ثنائی که همراه با «دقت معانی»، «الفاظ غریب و دقیق»، «نکته‌های دیرباب» و «نازک خیالیهها» و ... است، بستری را برای ظهور سبک هندی فراهم کرده، «اما حقیقت امر آنست که شیوه تازه‌ای که بنیادش را خواجه حسین ثنائی نهاده بود و گویندگان دیگری تا به عهد شاعری صائب در تقویت آن کوشیده بودند، در سخن صائب به کمال رسید.» (دوره بازگشت و سبک هندی، ص ۳۹) «اشعاری که در منقبت ائمه دین سروده

چندان است که پاره‌ای از تذکره نویسان او را مداح ائمه شیعیه، خوانده‌اند.» دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره، ص ۸۲۸)

در مورد ثنایی و خصوصیات شعری او، به غیر از تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات میتوان به مقالات و پایان‌نامه‌هایی در این خصوص، اشاره کرد که هر کدام بطور مستقل، توانسته‌اند به ویژگی‌هایی از زندگی ثنایی و آثارش اشاره کنند که این مهم میتواند راهنمای علاقمندان به این آثار باشد:

الف) اثری که تا حدودی خصوصیات سبک‌شناسی اشعار ثنایی مشهدی را مورد بررسی قرار داده؛ مقاله‌ای است با عنوان " بررسی آثار ثنایی مشهدی با تکیه بر جنبه‌های سبک‌شناسی " که به‌وسیله محمود مدبری و خورشید قنبری نیز (۱۳۹۱) نوشته شده است.

نویسندگان این مقاله، تنها به شواهدی چند بسنده کرده و نتوانسته‌اند بطور شایسته درباره ویژگی‌های زبانی و ادبی اشعار او سخنی بگویند و دلیل پیشگامی ثنایی مشهدی در سبک هندی را با توجه به اشعارش، تحلیل نمایند. و گاهی دیده شده که نتایج ناقصی را از جنبه‌های دخیل در اشعار او استنتاج کرده‌اند، البته بنظر می‌آید که نسخه‌های دیوان ثنایی مشهدی را به درستی مورد واکاوی قرار نداده‌اند.

ب) مقاله دیگری از خورشید قنبری با عنوان "شناخت‌نامه و معرفی توصیفی آثار خواجه حسین ثنایی" با همکاری ابوالقاسم رادفر (۱۳۹۲) نوشته شده، که این دو مقاله از رساله دکتری ایشان که « تصحیح دیوان ثنایی » بوده، استخراج شده است.

ج) مقاله‌ای دیگر، در مورد ثنایی، با عنوان " لغت‌نامه دهخدا و دو اشتباه در مورد ثنایی مشهدی " که بوسیله فاطمه کوپا و احترام رضایی (۱۳۹۲) نگاشته شده، که این مقاله نیز از رساله دکتری ایشان که «تصحیح کلیات خواجه حسین ثنایی مشهدی به‌مراه تعلیقات » بوده، استخراج شده است. این مقاله به نکته مهمی در لغت‌نامه دهخدا اشاره کرده، که شاید کمتر به آن توجه شده است.

آنچه میتوان از نوشته‌های تذکره‌نویسان و تاریخ ادبیات نگاران و دیگر نویسندگان استخراج کرد این است که هیچکدام یک از این آثار، به تنهایی و بطور کامل، نتوانسته‌اند به واکاوی ویژگی‌های اصلی و مهم اشعار ثنایی بپردازند و برای آشنا شدن بیشتر و بهتر به اشعار او نیاز است که از همه این آثار بهره برد تا بتوان به نتایج مثبتی دست‌یافت.

۳. معرفی اجمالی دیوان ثنایی مشهدی و تعدادی از نسخه‌های خطی آن

دیوان اشعار خواجه حسین، شامل قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات، ساقی‌نامه، اسکندرنامه است. بیشترین قدرت شاعری ثنایی در قصایدش است. صفا درباره او مینویسد: «آنچه که درباره ثنایی گفته میشود اینست که اگرچه غزل بسیار دارد؛ در حقیقت شاعری قصیده سراسر است و بیشتر نازک‌کاریها که به او نسبت داده‌اند در قصیده‌ها، دیده میشود تا در غزل‌هایش و آنهم در قسمت

مدیحه از قصیده‌ها، بیشتر مشاهده شده است تا در تشبیب یا تغزل. «(تاریخ ادبیات در ایران، ۵/۲: ص ۷۸۳)

بنابراین تعداد ابیات دیوان ثنایی مشهدی در نسخه‌های مختلف یکسان نیست؛ چنانکه در چهار نسخه مورد استفاده اینجانب (برای تصحیح دیوان ثنایی مشهدی) این مسئله مشهود است و در معرفی نسخه‌ها به آن اشاره شده است. با توجه به کاملترین نسخه‌های دیوان ثنایی مشهدی، میتوان به این مسئله اشاره کرد که: او هشتاد و نه قصیده سروده است (با در نظر گرفتن قصاید ناقص) که شامل سه دسته میباشد: ۱- قصاید مدحی ۲- قصاید وصفی ۳- قصایدی که در منقبت بزرگان دین سروده شده است. همچنین دیوان او شامل نود و شش غزل (با در نظر گرفتن غزلیات ناقص)، بیست و دو قطعه و ۱۳۷ رباعی است. البته این تعداد از مقاطعات و رباعیات در نسخه‌های متعدد، ممکن است در نوسان باشند. ساقی‌نامه او در ۱۷۳ بیت در بحر متقارب سروده شده، که به ابراهیم میرزا تقدیم شده است و یک مثنوی هم به نام اسکندر کبیر ساخته است که در واقع نوعی اسکندرنامه است که به تقلید از اسکندرنامه نظامی سروده شده؛ اما از نظر محتویات به اسکندرنامه‌های نظامی و امیر خسرو و جامی شباهت ندارد. تعداد ابیات آن در نسخه‌های مختلف نیز متغیر است؛ به اینصورت که در بعضی از نسخه‌ها ۸۶۶ یا ۸۹۱ یا ۱۰۱۳ بیت میباشد و در بحر متقارب است. این مثنوی «سداکندر» و نیز «باغ‌ارم» نامیده میشود که به اکبرشاه اهداء شده است. از دیگر آثار او، نوروزنامه که گویا ساقی‌نامه دیگری از اوست و منتخب حدیقه که شامل ۴۹۰ بیت است.

نسخه‌های خطی دیوان ثنایی مشهدی: در اینجا به تعدادی از نسخه‌هایی که در تصحیح دیوان ثنایی مشهدی، بوسیله نگارندگان استفاده شده است اشاره میشود. از میان این ده نسخه، چهار نسخه اول ملاک تصحیح متن، قرار گرفته‌اند و ملاک انتخاب نسخه اساس، ضبط دقیق اشعار و کامل بودن آن است و افتادگی کلمات، ابیات و یا نگارش غلط در آن کمتر از دیگر نسخه‌ها دیده میشود. (در اینجا ذکر چند نکته ضروری است: نخست اینکه هرگز نباید بطور مطلق یک نسخه را کامل و بی نقص دانست؛ زیرا در تصحیح یک دیوان، چند نسخه با هم سنجیده میشوند. سپس از میان آنها، بطور نسبی، نسخه‌ای که نقص کمتری دارد، گزینش میشود. و دیگر اینکه نباید ادعا کرد که نسخه‌هایی که به آنها دست یافته‌ایم، تنها نسخه‌های کامل و بی نقصی هستند که بدست ما رسیده است؛ زیرا در مورد نسخه‌های کامل دیوان ثنایی مشهدی، نمیتوان بطور یقین به یک نتیجه‌گیری قطعی دست یافت. چنانکه نگارندگان مقاله پیش رو، به نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران دست یافته‌اند که هنوز در کتابهایی که نسخه‌های خطی را معرفی کرده‌اند؛ مانند، فهرست نسخه‌های خطی احمد منزوی، نامی از آنها برده نشده است. در اینجا بطور مختصر

به معرفی این نسخه‌ها پرداخته میشود. (البته معرفی کامل این نسخه‌ها در مقاله‌ای با عنوان، «بررسی اشعار و اندیشه‌های ثنایی مشهدی و معرفی نسخه‌های دیوان او» آمده است).

۱. نسخهٔ مدرسهٔ عالی مطهری (سپهسالار) - الف: این نسخه با شمارهٔ ۳۷۵ در مدرسهٔ عالی مطهری (سپهسالار) نگهداری میشود. شامل دو دیوان متفاوت است: از صفحهٔ ۱۰۵-۱ متعلق به دیوان ثنایی مشهدی است. و ادامهٔ آن متعلق به دیوان نظام استرآبادی است. قسمت اول این نسخه، شامل: دیباچه منشور، قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات و ساقی‌نامه‌ای ناقص است و ۳۰۹۸ بیت دارد. کاتب این نسخه و زمان کتابت آن مشخص نیست. مالک کتاب، شخصی است به اسم محمد شریف که تاریخ تولد خود را (۱۰۱۵ه.ق.) در اول نسخه نوشته است. بدلیل ضبط دقیق اشعار و کامل بودن آن نسبت به نسخه‌های دیگر، یکی از نسخه‌های مهم در تصحیح متن دیوان ثنایی بشمار می‌آید. در ضمن افتادگی کلمات، ابیات و یا نگارش غلط در آن کمتر از دیگر نسخه‌ها دیده میشود. (نگارندگان در تصحیح متن دیوان ثنایی مشهدی، این نسخه را بعنوان نسخهٔ اساس برگزیده‌اند).

۲. نسخهٔ مرکز اسناد و کتابخانهٔ ملی تهران-الف: این نسخه با شمارهٔ ۲۹۷۰ در مرکز اسناد و کتابخانهٔ ملی تهران، نگهداری میشود. کاتب آن، کاظم رجوی دیلمقانی است. این نسخه در ۱۲ محرم ۱۳۴۶ شمسی از روی نسخه‌ی ۹ رمضان ۱۰۲۳ه.ق. کتابت شده است. تعداد ابیات آن حدود ۴۰۲۵ بیت است و بعد از نسخهٔ اساس این نسخه نسبت به نسخهٔ دیگر (نسخهٔ ۳ و ۴)، از اعتبار بالایی برخوردار است. افتادگی اشعار و غلط نگارشی در آن کمتر دیده میشود. از دیگر عوامل اعتبار این نسخه میتوان به معتبر بودن کاتب آن اشاره کرد.

۳. نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی-الف: این نسخه با شمارهٔ ۲۳۹۰ متعلق به کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی است. میرعلی این دیوان را در سال ۱۰۰۶ه.ق. به کتابت درآورده است. تعداد ابیات آن حدود ۳۰۷۹ بیت میباشد. از جمله موارد نقص این نسخه عبارتند از: بعضی از اشعار را ندارد. تعدادی از ابیات نوشته نشده‌اند و یا شعر بصورت ناقص نگارش یافته است. غلطهای نگارشی در آن دیده میشود.

۴. نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران-الف: اصل این نسخه در کتابخانهٔ بودلین آکسفورد به شمارهٔ Msouseley 22، است و اکنون بصورت میکروفیلم در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، با شمارهٔ ۱۰۲۸، نگهداری میشود. کاتب این نسخه احمد بن فضل صفاهانی (اصفهانی) است که در ۲۵ رجب ۱۰۴۲ه.ق. آن را به نگارش درآورده است. تعداد ابیات آن حدود ۲۸۹۴ بیت میباشد. کمبود بعضی از اشعار و ابیات در این نسخه مشهودتر از سه نسخهٔ قبلی است.

نسخه‌های دیگر دیوان ثنائی مشهدی: در کنار نسخه‌های ذکر شده به بررسی نسخه‌های دیگری هم پرداختیم؛ اما با توجه به ملاکهای گزینش در انتخاب آنها، نسخه‌های انتخابی فوق برای تصحیح متن دیوان ثنائی مشهدی در ارجحیت قرار گرفتند. در اینجا به تعدادی از این نسخه‌ها اشاره خواهد شد.

۵. نسخه سپهسالار: این نسخه با شماره ۲۸۴ در کتابخانه مدرسه عالی مطهری (سپهسالار) نگهداری میشود. در سال ۱۴۰۱ ق. بوسیله محمد حسین مشهدی کتابت شده است. از مهمترین دلایل نقص این نسخه: کمبود ابیات و اشعار، جابجایی صفحات، ابیات و کلمه‌ها، نقص رکابه‌ها که نشان دهنده افتادگیهای مکرر صفحات و ابیات و جابه‌جایی آنها است.

۶. نسخه ملی (الف): این نسخه با شماره ۷۵۴ در مرکز اسناد و کتابخانه ملی تهران، نگهداری میشود. مربوط به سال ۱۴۰۴ ق. است. و کاتب آن زاهد بن داوود است. از نسخه‌های کامل دیوان ثنائی مشهدی است؛ اما زمان نگارش نسخه‌های منتخب در مقایسه با این نسخه به سال وفات ثنائی مشهدی نزدیکتر است و در مقایسه با نسخه اساس، ملاک ما کامل و بی‌نقص بودن نسخه (اساس) بوده است.

۷. نسخه ملی (ب): این نسخه با شماره ۶۷۸۵ در مرکز اسناد و کتابخانه ملی تهران، نگهداری میشود. مربوط به سال ۱۴۲۰ ق. است. کاتب آن، مشخص نیست و فقط اشعاری منتخب از ثنائی، در آن آورده شده است. از صفحه ۴۱۹-۱ شامل اشعار منطق الطیر عطار است. و از صفحه ۴۱۹ تا آخر، شامل اشعار ثنائی مشهدی است. اشعار این نسخه کامل نیست.

۸. نسخه دانشگاه (الف): این نسخه با شماره ۷۹۲۷ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری میشود. کاتب و زمان کتابت این نسخه مشخص نیست؛ عنوان نسخه را به اشتباه، «لب‌لباب‌مثنوی» گذاشته‌اند؛ اما در روی بدرقه نسخه، شخصی به اسم «فکری سلجوقی هروی» جمله‌ای را با این عنوان نوشته است که: «دیوان مرحوم شیخ ثنائی خراسانی است نه از حکیم ابوالمجد محدود بن آدم السنایی غزنوی». این نسخه کامل است اما در آن جابجایی صفحه و اشعار دیده میشود.

۹. نسخه دانشگاه (ب): اصل این نسخه در کتابخانه پاریس به شماره ۷۹۱. P. S. میباشد و اکنون بصورت میکروفیلم در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، با شماره ۱۳۲۲، نگهداری میشود. کاتب این نسخه مشخص نیست. این نسخه بصورت جُنگ شامل اشعار این شاعران است: رضی‌الدین نیشابوری، میرعرفی شیرازی، خواجه حسین ثنائی مشهدی. از موارد نقص این نسخه: بی‌دقتی کاتب، نقص ابیات، نگارش غلط است.

۱۰. نسخه مجلس: این نسخه با شماره ۸۶۶۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود. مربوط به سال ۱۱۵۳ ق. است و کاتب آن علی محمد است که آن را برای شخصی به اسم

محمدعلی نوشته است. در این نسخه فقط قصاید ثنائی دیده میشود که از صفحه ۵۵-۱ آمده است. و در ادامه آن دیوان موسوی خان فطرت و منتخب اشعار واعظ قزوینی آمده است کاتب در ضبط این نسخه دقت بالایی داشته است. اما بدلیل کرم خوردگی، بعضی از صفحات و اشعار را ندارد.

۴. عناصر شاعرانه در اشعار ثنائی مشهدی

اگر بخواهیم عناصر شاعرانه را در اشعار ثنائی بررسی کنیم، میتوانیم آنها را به سه دسته اصلی تقسیم نماییم که مهمترین آنها عبارتند از: عناصر زبانی، عناصر ادبی و عناصر عاطفه و اندیشه درونی. در ادامه به تفصیل درباره هر یک از این ویژگیها، سخن خواهیم گفت و انواع مختلف هریک را بصورت جداگانه معرفی و بررسی خواهیم کرد.

از مهمترین ویژگیهای شاعران سبک هندی، خصوصاً ثنائی مشهدی، کاربرد مضامین نو و تازه در اشعار است. در کنار بیان عناصر شاعرانه اشعار او (زبانی، ادبی، عاطفه و اندیشه درونی)، مضامین اشعار ثنائی، تحلیل شده است. اگر مضمون پردازی را مهمترین ویژگی سبکی اشعار ثنائی قلمداد کنیم؛ خواهیم دید که نوع و شگردهای او در مضمون پردازی تا حدودی با دیگر شاعران همعصرش متفاوت بوده و همین تفاوت بر شاعران پس از او نیز تاثیر گذاشته است. صفا، نکته پردازیهای لطیف و دل انگیز را از ویژگیهای ثنائی مشهدی میداند. (تاریخ ادبیات در ایران. ۵/ص: ۷۸۲) در ادامه نیز به تعدادی از مضامین پر کاربرد او اشاره میشود.

۴-۱. عناصر زبانی: از مهمترین و پر بارترین عوامل زیبایی شعر، زبان است. زیرا به کمک زبان، شاعر میتواند زیباییهای شعر را به خوانندگان خود منتقل نماید. «زبان امر ثابت و منجمدی نیست و هر لحظه در حال پویایی و تغییرات تدریجی است» (ادوار شعر فارسی، ص ۹۱) ثنائی مشهدی نیز برای دستیابی به مضامین جدید، از زبان بهره جسته و به دنبال واژه‌ها و ترکیبیهایی است که بتواند او را در این هدف یاری رساند. در این مبحث، ویژگیهای زبانی شعر او در دو حوزه «واژگانی و ترکیب‌سازی» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف. کاربرد کلمات عامیانه: استفاده از زبان عامه و راه یافتن زبان کوچه و بازار در شعر، از مختصات سبک اصفهانی و هندی است. اگر ثنائی هم به این واژه‌ها توجهی خاص دارد، علاوه بر پیروی از رسم زمانه، خواسته است با کاربرد این کلمات به مضامین جدید دست یافته، به شعرش تازگی بخشد.

خواجه حسین به پیروی از شیوه بابا فغانی شعر سروده، اما کاربرد این کلمات عامیانه در آثار ثنائی به شدت کاربرد شاعران سبک هندی بعد از او نیست. «اساساً بابا فغانی برای اولین بار زبان بازار را بعنوان جزئی از زبان غزل معرفی و تثبیت کرد.» (طرز تازه، ص ۵۵) از کلمات عامیانه‌ای که ثنائی در اشعار خود بکار برده است؛ میتوان به مواردی از این دست اشاره کرد: گشنه - دست به دست دادن -

مزه‌کش - دله - دم (در مفهوم زمانی به معنی نزدیک، هنگام) - نم‌کشیدن - قایم (در معنی محکم و استوار). برای مثال در نمونه زیر، ثنایی برای بیان استواری دولت ممدوح، از واژه «قایم» استفاده کرده تا به شعرش یک برجستگی خاص ببخشد.

کوه با قایمی دولت تو تکیه بر موی لاغر اندازد
(قصیده ۲۹ بیت ۶۳)

یا در (قصیده ۵ بیت ۲) ثنایی واژه عامیانه «گشنه» را برای گرگ بکاربرده است.
ب. باستانگرایی (آرکائیسیم): ثنایی مشهدی گاه از لغات یا ساختارهای نحوی استفاده کرده است که نسبت به زبان معیار قرن دهم و یازدهم، کهنه و متروکه هستند و باین وسیله توانسته، مضامینی را وارد شعر کند. ثنایی در نمونه‌های زیر، با استفاده از واژه‌های بدسگال، باژگون و... به نوعی آشنایی‌زدایی دست زده است که این کلمات برای ساخت مضامین جدید و غریب به شاعر یاری رسانده‌اند. برای مثال در بیت هفتم با استفاده از واج‌آرایی «ش» نوعی سرخوشی را به ذهن تداعی میکند و با آوردن واج «س» در برابر بدسگال، استخوان و ستم، نوعی سختی را برای ستمگر و بداندیش به تصویر کشیده است:

در بزم عیش جام طرب نوش کاب خوش در حلق بدسگال تو چون استخوان نشست
زین پیش اگر چه از ستم چرخ باژگون خاری تو را به پای دل از دشمنان نشست
(قصیده ۱۲ ابیات ۷ و ۸)

ج. بسامد واژگان خاص: بسامد تعدادی از کلمات خاص در اشعار ثنایی مشهدی بحدی است که میتوان آن کلمات را موتیف‌های واژگانی اشعار او به حساب آورد، که به کمک مضمون‌سازی اشعار او آمده‌اند البته شاعران بعد از او از این واژگان خاص استقبال کرده و آنها را در اشعار خود آورده‌اند. از جمله واژگانی که در کلام ثنایی مشهدی زیاد کاربرد دارند عبارتند از: سایه - استخوان - آینه - گوهر - رحم - طفل - حامله - یوسف - گرگ و شبان - آفتاب - گردون - فلک - چرخ - خواب - دیده - کمان - کان - مطبخ - دخان - سنان - کف - زبان - ظل - دل - فتنه - قضا - قطره - مژه - جگر - صبح و...

۴-۱-۲. ترکیب‌سازی: از جمله خصوصیات کلام ثنایی مشهدی ترکیب‌سازی است که با توجه به خلق ترکیب‌های تازه، توانسته است معنی جدید و تصویر تازه‌ای را خلق نماید و به شعرش تازگی بخشد. در یک طبقه‌بندی کلی، ترکیب‌های بکاررفته در اشعار ثنایی مشهدی را میتوان در چند دسته اصلی ترکیب‌های اضافی (شامل ترکیب‌های تشبیهی، استعاری و مقلوب)، پارادوکسی و حسامیزی تقسیم‌بندی و معرفی کرد؛ البته سه نوع اخیر نیز از منظری در زیر ترکیب‌های اضافی قابل طبقه‌بندی‌اند؛ با اینحال بدلیل اهمیت سبک‌شناسانه این نوع ترکیب‌ها، بصورت جداگانه معرفی شده‌اند.

الف. اضافه شدن دو کلمه به یکدیگر (مانند مضاف و مضاف‌الیه و یا صفت و موصوف) با بکاربردن این نوع از ترکیبها، کلام خیال‌انگیزتر و تجریدتر خواهد شد و پویایی و تحرک آن بیشتر میشود. باین دلیل است که بیشتر تصاویر ادبی و هنری از این نوع ترکیب، درست شده است؛ مانند اضافه‌های تشبیهی و استعاری، و.. ثنایی‌مشهدی هم برای خیال‌انگیز کردن کلامش به فراوانی از این ترکیبها استفاده کرده است؛ چنانکه شاعران سبک هندی که به تجریدی بودن کلام زیاد متوسل شده‌اند به این ترکیبها زیاد رو آورده‌اند. در ابیات زیر: خشم و غضب ممدوح از نظر گستردگی و عظمت به نهنگی تشبیه شده است. (اضافه تشبیهی) و ایجاد شدن خشم درون او؛ مانند عبور کردن نهنگ در میان دریاست. (دل دریا: اضافه استعاری از نوع تشخیص)، سرنیزه ممدوح مانند نیش مار کشنده است. (نیش سنان: اضافه استعاری از نوع غیر تشخیص)، حوادث مانند انسانی است که دست دارد. (کف دست حوادث: اضافه استعاری از نوع تشخیص):

گر نهنگ غضبت در دل دریا گذرد	ابر را هر مطر آبستن طوفان گردد
آب از نیش سنان تو خورد تاک اگر	زهر دارنده تر از ارقم و ثعبان گردد
بر کف دست حوادث به مثل گر نقاش	نقش زر را بکشد جمع پریشان گردد

(قصیده ۲۵ ابیات ۱۰-۸)

ثنایی‌مشهدی در اشعارش با استفاده از این نوع ترکیبها، توانسته است به کلام تازگی و پویایی خاص ببخشد و مضامین جدیدی را وارد شعرش کند. برای مثال در بیت زیر در کنار ترکیبهای «خنجر مژگان / غمزه فتان» که باز مانده از سنت ادبی پیش از ثنایی هستند، ترکیبهای تازه چون: «حوصله بخش ستیز / معرکه ساز بلا» بکار رفته‌اند:

<u>خنجر مژگان تو حوصله بخش ستیز</u>	<u>غمزه فتان تو معرکه ساز بلا</u>
-------------------------------------	-----------------------------------

(قصیده ۱ بیت ۱۰)

در بیت زیر، او از دوری ممدوح چنان آتش گرفته که هیچ اندیشه‌ای نتوانسته فکر و دل او را به خود مشغول کند؛ بنابراین برای بیان مشغول نشدن دل و اندیشه از ترکیب «مرحله پیمان» استفاده کرده است:

بس که شب ز آتش هجر تو مرا سوخت درون	بیک اندیشه نشد مرحله پیمای دلم
-------------------------------------	--------------------------------

(قصیده ۶۹ بیت ۳)

ترکیبهای پارادوکسی یکی از کارکردهای ساخت ترکیبهای جدید اضافه کردن کلمات متناقض با یکدیگر است. ثنایی از اینگونه ترکیبها برای رسیدن به مضمونی نو و شاعرانه در شعرش زیاد بهره جسته است. اینگونه ترکیبها در شعر شاعران سبک هندی بسامد بالایی را به خود اختصاص داده

است. برای مثال: در بیت زیر «خواب بیداران» نوعی تناسب پارادوکسی ایجاد کرده است؛ زیرا نمیتوان در یکزمان هم خواب بود و هم بیدار!
جان فدای خواب بیداران که شب بر روی دوست
(قصیده ۳۶، بیت ۲۵)

از منظر ترکیبهای پارادوکسی، حتی بیت زیر نیز قابل تأمل و بررسی است. در این نمونه، مخاطب ابتدا با ترکیب «خشک دامنتر از دخان» آشنا میشود؛ در صورتیکه با در نظر گرفتن واژه «ابر» در مصراع قبل و ارتباط آن با خشک دامنی، این ترکیب را هم میتوان از نمونههای پارادوکس در اشعار ثنائی محسوب کرد:

چون نگریم که ابر کشته من خشک دامنتر از دخان برخاست
(قصیده ۴، بیت ۱۱)

ترکیبهای حسآمیزی ترکیب دو حس متفاوت در کنار هم میتواند به ساخت مضامین جدید کمک کند. «حسآمیزی آوردن لغات مربوط به حسهای مختلف، کنار هم است.» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا:ص ۱۱۲). توجه ثنائی هم به این امر معطوف بوده است. برای مثال «خشم» امری انتزاعی است که با حس لامسه قابل شناسایی نیست. یا سخن را باید شنید نه اینکه لمس کرد.

اگر خورند به گرمای خشم آب ز جان به جای عرق ریزد از سر آتش
چنان زبان به سخنهای گرم من خو کرد که گر خورم نکند نطق را ضرر آتش
(قصیده ۵۱، ابیات ۱۲ و ۱۳)

۲-۴. ویژگیهای ادبی اشعار ثنائی مشهدی

تعداد قصاید: ۸۹ قصیده	
بحر مجتث	۲۸ قصیده
بحر رمل	۱۹ قصیده
بحر مضارع	۱۷ قصیده
بحر خفیف	۱۱ قصیده
بحر هزج	۸ قصیده
بحر منسرح	۳ قصیده
بحر متقارب	۲ قصیده
بحر رجز	۱ قصیده

۲-۴. موسیقی (آهنگ): در این بخش از مقاله به بررسی کارکردهای رایج موسیقی در شعر ثنائی از خواهیم پرداخت.

کاربرد وزنه‌های عروضی در هشتاد و نه قصیده ثنائی، به ترتیب بیست و هشت قصیده در بحر مجتث، نوزده قصیده در بحر رمل، هفده قصیده در بحر مضارع، یازده قصیده در بحر خفیف، هشت قصیده در بحر هزج، سه قصیده در بحر منسرح، دو قصیده در بحر متقارب و یک قصیده در بحر رجز سروده شده است. برای مثال (قص ۱ اب ۱) (قص ۱۳ اب ۱) در بحر

منسرح مثنی مطوی مکشوف و (قص ۱۵ اب ۱) در بحر هزج مسدس اُخرِب مقبوض مقصور است.

۲. موسیقی‌کناری (قافیه و ردیف): منظور از موسیقی‌کناری همان رعایت تناسب و هماهنگی کلمه‌ها (در کلمه) یا حروف آخر مصراع‌های ابیات شعر است که به این کلماتی که در پایان مصراع شعر، ایجاد موسیقی کرده‌اند، قافیه و ردیف می‌گویند. وحیدیان کامیار درباره اهمیت قافیه و اینکه اگر شعری بدون قافیه بیاید از زیبایی و اهمیت آن کاسته می‌شود می‌گوید: «باید دانست که قافیه تنها یک آرایش شعری نیست، بلکه ... از جمله آهنگ و موسیقی شعر را تکمیل میکند و به زیبایی آن می‌افزاید و ...» (وزن و قافیه شعر فارسی، ص ۹۲) با توجه به آنچه در مورد قافیه و ردیف بیان شد، میتوان اشاره کرد که انتخاب قافیه مناسب و تلفیق آن با ردیف، در بعضی از اشعار ثنائی‌مشهدی، از جمله عواملی است که از نظر بلاغی بر شیوایی کلام او افزوده است. بسیاری از قافیه و ردیفها در شعر ثنائی، هنرمندانه انتخاب شده‌اند برای مثال: آوردن ردیف «نجنبد» در کنار قافیه «زبان» ترکیب کنایی «زبان‌نجنبیدن»؛ یعنی سخن نگفتن را بوجود آورده، یا ردیف «نجنبد» در کنار قافیه «آسمان» ترکیب کنایی «آسمان‌نجنبیدن»؛ یعنی «بی حرکت شدن آسمان و زمانه» است.

بی نام خوشت زبان نجنبد بی کام تو آسمان نجنبد
در سنگ ز بیم غمزه تو باشد عجب ار نشان نجنبد

(قصیده ۲۰ بیت ۱ و ۲)

از خصوصیات بارز سبک هندی استفاده از ردیفهای اسمی و ترکیبی است. البته این خصوصیت قبل از گسترش این سبک، در اشعار ثنائی مشهود است. مانند: ردیف «خضر، صنوبر» در (قص ۴۵) «آینه» در (قص ۸۱) و... ردیفهای ترکیبی مانند: ردیف «آرزو کم شد» در (غزل ۳۴)، «رنگ است» در (غزل ۱۲) و...

ثنائی مشهدی در ۹۰ درصد اشعارش، خود را مقید به رعایت ردیف کرده است اما گاهی فقط به آوردن قافیه اکتفا کرده است؛ مانند: قافیه کردن کلمات روزگار، جویبار، غبار و... با یکدیگر در ابیات زیر:

ای روشن از فروغ رُخت روز روزگار وی خرم از سحاب کفّت ملک جویبار
نعل براق عزم تو را، اختران شرر گرد سپاه رزم تو را، آسمان غبار...

(قصیده ۴۵ بیت ۱ و ۲)

۳. موسیقی معنوی: چنانکه اشاره شد، تناسبهایی که در شعر می‌بینیم، میتواند بعنوان آهنگ و موسیقی شعر محسوب شود. به نظر شمیسا، «صنایعی ایجاد موسیقی معنوی میکنند که ژرف‌ساخت آنها تناسب معنای بین اجزای کلام است.» (نگاهی تازه به بدیع، ص ۱۰۷)

مراعات نظیر: در بیت زیر، بین کلمات «گرمی، شعله، دخان» و کلمات «خبر، زبان، کام، سخن» تناسبی از نوع مراعات نظیر وجود دارد. ثنائی با کاربرد این شبکه‌های بهم پیوسته مراعات نظیر، به دنبال ساخت مضامین جدید و شاعرانه است.

چه گرمی خبر است این که شد زبان در کام
چو شعله وز سخنش عنبرین دخان برخاست
(قصیده ۴، بیت ۷)

تضاد: در بیت زیر، بین «کفر و ایمان» تناسبی از نوع تضاد دیده میشود.
گرچه گمراهم ولی از صدق خویش
طعنه ها بر کفر و ایمان میزنم
(قصیده ۷۰، بیت ۱۰)

ایهام: در آرایه ایهام نوعی پوشیدگی وجود دارد و همین کارکرد میتواند به شاعران باریک‌خیال و مضمون‌سازی چون ثنائی کمک کند.
یوسفی را کند خدای، عزیز
که به چاهش برادر اندازد
(قصیده ۳۰، بیت ۳۶)

ایهام تناسب: در بیت زیر، «تابد» دو معنی دارد: ۱- طلوع کردن ۲- تاب دادن و پیچیدن / چرخ دو معنی دارد: ۱- چرخ خیاطی ۲- چرخیدن و حرکت کردن (معنی مورد نظر)
کنیزت ار نبود صبح از چه تابد مهر
به چرخ شب همه شب رشته بهر پیرهنش
(قصیده ۵۳، بیت ۲۳)

ایهام ترجمه: در ایهام ترجمه، دو لغت که مترادف هم هستند؛ به دو معنی مختلف بکار میروند.
(شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۱)
به یاد روی تو در مه کنم نظاره ولی
به دل چگونه چو روی چنان قمر گنجد
(قصیده ۲۳، بیت ۱۲)

تلمیح: ثنائی از کنار اعتقادات و باورداشت گذشتگان و یا داستانها و افسانه‌های کهن، (خصوصاً داستان پیامبران) و توجه به زندگی ائمه دین اسلام، بی تفاوت نگذشته و در جای جای اشعارش به آنها اشاره کرده است و از این داستانها برای ساخت مضامین جدید استفاده کرده است.
در بیت زیر ثنائی با استفاده از داستان ابراهیم و نمرود و اسم‌آزر (عموی پیامبر)، مضمونی تازه ساخته؛ یعنی یکی از دلایلی که خداوند به نمرود قدرت داد این است که با به آتش (آذر) انداختن ابراهیم، ایمان او به محک آزمایش زده شود.
بر کشد بر سپهر نمرودی
تا خلیلی به آذر اندازد

حسن تعلیل: در بیت زیر: ثنایی به ساخت مضمون جدید به وسیله حسن تعلیل دست زده است؛ یعنی خاصیت خواب‌آلودگی کوکنار بخاطر اینست که در زمان تو فتنه به خواب میل و رغبت پیدا کرده است. و دیگر اثری ندارد.

شد فتنه در زمان تو مایل چنان به خواب
کز وی گرفت خاصیت خواب کوکنار
(قصیده ۴۵ بیت ۱۵)

اغراق: ثنایی بوسیله این آرایه توانسته معانی شگرفی خلق کند و مضمونهای نویی را وارد شعرش کند. در بیت زیر به اغراق بیان میکند که اگر زبان ارزش پیدا کرده و نورانی شده است. بخاطر سخنان ثنایی است که به این مرتبه رسیده، حتی خورشید هم در برابر سخنان او قدرت و نورانیتی ندارد.

نوری که زبان ز گفت من یافت
خورشید به صد زبان ندیده است
(قصیده ۹ بیت ۱۰)

در پایان مبحث موسیقی معنوی باید به این نکته اشاره کرد که آرایه‌هایی چون ایهام، اغراق، تلمیح و حسن تعلیل علاوه بر تقویت موسیقی معنوی و تناسبهای معنایی در شعر، با صورخیال نیز مرتبطند؛ اما از آنجاکه بسیاری از منتقدان ادبیات از این آرایه‌ها، در حوزه بدیع معنوی سخن گفته‌اند، در بخش تناسبهای معنایی از آنها سخن گفته شد.

۲-۲-۴. تخیل: یکی از عناصر اصلی شعر «عنصرخیال» است؛ زیرا همین عنصر است که باعث جذابیت فراوان شعر میشود. «وقتی هنرمند موضوع مورد نظر را به تصویر هنری در می‌آورد. بدان معناست که عنصر پویا، بالندگی یا روح آن را آنچنان به تجسم برجسته میکند که حواس نواز باشد...» (مقدمه بر زیباشناسی، ص ۲۴) شمیسا کسی را هنرمند میدانند که مخیل و تصویری و عاطفی میاندیشد و میبیند و بیان میکند. (بیان، ص ۲۱) خواجه نصیر طوسی در کتاب اساس الاقتباس درباره اهمیت تخیل میگوید: «و تخیل در بعضی نفوس مؤثرتر از تصدیق آید، چنانکه گفته آمد. و منفعت خاص این صنعت که هیچ صنعت دیگر در آن مشارکت نباشد، التذاذ و تعجب نفس بود.» (اساس الاقتباس، ص ۵۸۹) ثنایی از این عنصر زیاد بهره برده است. آنجاکه مانند شاعران قبل از خود توانسته است با دستگیری از خیال، بیندیشد و شعر بسراید مضامین زیبایی را خلق کرده؛ اما وقتی که در این مسیر ضعیف عمل کرده شعرهایش رنگ‌وبوی خود را از دست داده است.

در بیت زیر شاعر برای بیان قدرت ممدوح به تخیل متوسل شده است و علت رعد و برق را ترس از ممدوح میدانند و این رعد و برق همان زبان ابر است که هر لحظه برای امان خواستن بیرون می‌آید و

یا شعله‌های پراکنده خورشید را نتیجه شکاف لب او میداند چون نام شمشیر ممدوح را بر زبان آورده است و...

از در آتش فشان ابر، از بیم گفت
دم به دم بیرون زبان بهر امان می‌آورد
بر لب خو، چاکها افتاده چون دامن گل
گویا نام حسامت بر زبان می‌آورد
(قصیده ۲۹، ابیات ۸ و ۷)

عناصر خیال:

ثنائی مشهدی با بکار بردن عناصر خیال در اشعارش توانسته به تصویرآفرینی جدید و باریک خیالیه‌ها و ساخت مضامین نو دست یابد و بدین وسیله زمینه‌ساز سبک نو ظهوری چون سبک هندی شود. در اینجا به صورخیالی، اشاره خواهد شد که در اشعار ثنائی از بسامد بالایی برخوردار هستند. تشبیه: ثنائی در اشعارش از انواع تشبیه‌ها استفاده کرده است؛ اما بیشتر به تشبیه فشرده بصورت اضافه تشبیهی توجه داشته است. در ادامه شاعران سبک هندی از اینگونه کاربرد استقبال کرده‌اند. مانند:

اول قدم ز پایه قدر رفیع تست
جاییکه مرغ وهم و خدنگ نظر رسید
(قصیده ۴۳، بیت ۹)

در اشعار ثنائی، گاه برای بدست آوردن معانی عجیب و غریب، اضافه‌های تشبیهی بصورت مجموعه‌ای پایایی و مرتبط بهم تکرار میشوند. در نمونه زیر، زیبایی معشوق از نظر شکوفایی، به نوبهار تشبیه شده، دیده انسان ابری است که با دیدن معشوق از شدت خوشحالی باران اشک ریخته است. درد از نظر گستردگی و فراگیری به صحرا تشبیه شده؛ یعنی درد عاشق بخاطر دست نیافتن به معشوق است. پای نشاط اضافه استعاری از نوع تشخیص و «پای نشاط در گل بودن» کنایه از نداشتن قدرت نشاط و شادی است: .

در نو بهار حسنش از ابر دیده ما
صحرای درد خرم پای نشاط در گل
(قصیده ۵۵، بیت ۵)

تشبیه تمثیلی: ثنائی با کاربرد تشبیه‌های تمثیلی در میان اشعارش، خواستار این است که خواننده تصویری زنده و پویا را جلو چشمان خود مجسم نماید. مثلاً در بیت زیر، زبان شاعر همچون گنجی است و خارج شدن سخن از این زبان، مانند ماری است که یکدفعه از سرگنج بلند میشود.

همچو ماری که خیزد از سر گنج
سخنم از سر زبان برخاست
(قصیده ۴، بیت ۳)

اسلوب معادله: ثنایی برای ساخت مضامین نو، تا حدودی به این آرایه نظر داشته است. برای مثال: در بیت زیر ثنایی بیان میکند؛ همانطور که نقطه همیشه وسط دایره است، این جهان هم در تحت سلطه تو قرار دارد و خارج از سلطه تو نیست.

چرخ از محیط رأی تو خود را برون ندید نقطه ز خط دایره کی بر کران نشست
(قصیده ۱۲، بیت ۹)

استعاره: ثنایی نیز برای ساخت مضامین جدید از استعاره زیاد استفاده کرده است و گاه در یک بیت به چند استعاره پشت سرهم متوسل شده است. در بیت زیر، آب: استعاره از اشک، تازه‌نهال: استعاره از شوق و امید، چمن آرای دلم: استعاره از معشوق و یار.

آبم از دیده روان است مگر بنشانند در جگر تازه نهالی چمن آرای دلم
(قصیده ۶۸، بیت ۶)

تشخیص: ثنایی برای ساخت مضامین تازه به این آرایه نیز متوسل شده است. در بیت زیر او عامل همه فتنه‌ها و بلاها را، چشم محبوب خود میداند و اجراکننده این دستور فتنه‌گری، تک‌تک مژه‌های محبوب هستند.

چشمت به هر نگاه برای خرابیم صد فتنه را ز هر مژه دستور کار داد
(قصیده ۱۸، بیت ۱۰)

کنایه: ثنایی با استفاده از کنایه خصوصاً کنایه‌هایی که در گذشته کاربرد داشته‌اند، خواسته مضامین و نکات جدیدی را وارد شعر کند. برای مثال: «کمر بر میان بستن» به معنی آماده‌کاری شدن است و معمولاً برای انسان بکار برده میشود؛ ولی ثنایی این کنایه را برای «مو» بکار برده؛ یعنی همه وجود ثنایی حتی موهای او آماده حمد و ستایش ممدوحش هستند.

در ثنای کف تو هر مو را کمر مدح بر میان بستم
(قصیده ۵۸، بیت ۲۵)

۵-۱. مضامین اصلی اشعار ثنایی:

۱- مدایح: مدایح اشعار ثنایی به دو قسمت مهم تقسیم میشود: الف) مدایح دینی ب) مدایح امیران و پادشاهان.

الف) مدایح دینی و مذهبی (منقبتها): در اشعار زیادی از ثنایی مشهدی به مدایحی برمیخوریم که در وصف امامان یا پیامبران است. «رواج این نوع شعر در دوره صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، از هر دوره دیگر، بیشتر بوده و در دوران قاجاریه نیز رواج قابل توجهی دارد.» (انواع ادبی و آثار آن در ادب فارسی، ص ۸۴) مانند:

ماه شفاعت ضیا مهر هدایت فروغ نقد علی ولی، شاه خراسان رضا

(قصیده ۱، بیت ۱۸)

ب) مدح امیران و پادشاهان: در شعر ثنائی مدح شاهان و امیران مختلف دیده میشود. برای مثال:
 شه مازندران سلطان محمد آنکه با قدرش بگوید و هم کز دوری ره همچون کمان

(قصیده ۶۸، بیت ۱۷)

۲-مفاخره: انواع مفاخره‌ها مانند، تفاخر به شعر و سخن، اظهار فخر و برتری نسبت به شاعران دیگر
 (قصیده ۴۳، بیت ۴۰) (غزل ۱۲، بیت ۶) (قصیده ۷۵، بیت ۴۳) (قصیده ۶، بیت ۱۶)، مفاخره به دانش:
 (قصیده ۷۲، بیت ۸)، مفاخره به ممدوح: (قصیده ۷۵، بیت ۶)

تفاخر به شعر و سخن: در نمونه زیر به یکی از این نوع مفاخره‌ها اشاره میشود:

نوری که زبان ز گفت من یافت خورشید به صد زبان ندیده است

(قصیده ۱۱ بیت ۱۹ و ۲۰)

۳- اشعار وصفی: انواع شعرهای وصفی مانند، وصف بهار: (قصیده ۴۶، بیت ۳) وصف جشن: (قصیده ۹۰، بیت ۱ و ۲ و ۳) وصف بنا: (قص ۷۷). وصف قصر: (قصیده ۴۶، بیت ۳)
 وصف نوروژ:

نوروژ آمد و همه را وصل بار داد ما را به یاد گریه بی اختیار داد

(قصیده ۱۹، بیت ۱)

۴- **شکوائیه (بت‌الشکوی):** وصف غم و درد خود: ثنائی در اشعار مختلف به درد خود از روزگار اشاره کرده است. مانند:

باز اشکم ز تاب دل شرر است شعله آتشم رگ جگر است

(قصیده ۵، بیت ۱)

۵- اشعار عاشقانه: مانند وصف حالت عاشقان در توجه به محبوب:

عاشقان در گرمی دل قطره را در چشم تر چون سپند روی آتش پای کوبان دیده‌اند

(قصیده ۳۶، بیت ۲۱)

۵-۲. مضامین فرعی اشعار ثنائی: بعضی از مضامین اشعار ثنائی بصورت ضمنی در کنار دیگر اشعار اصلی آمده‌اند. مانند نمونه‌های زیر:

بیان بعضی از اندیشه‌های حکمی و فلسفی:

مشنو عیب کس که گوش صدف پر گهر بهر آن بود که کر است

(قصیده ۵، بیت ۱۱)

در باره حسد دیگران نسبت به او و پیروزی بر آنان:

از حسد در دهان خصم کنون لقمه را سنگ و استخوان کردم

(قصیده ۶۰، بیت ۱۰)

اعتقاد به بخت و اقبال:

بهره ور گشت از سعادت من چونکه با مشتری قران کردم

(قصیده ۶۰، بیت ۱۷)

۵-۳. مضامین تقلیدی اشعار ثنائی (تقلید از شاعران کهن): ثنائی در خلق آثار خود به شاعران پیش از خود چون: «حافظ، سعدی، انوری، مولوی و بویژه خاقانی و...» توجه خاصی داشته است. او گاهی به استقبال اشعار و مضامین شاعران دیگر رفته و یا از وزن و قافیه این شاعران پیروی کرده است. از میان شاعران مذکور، بیشترین توجه او به اشعار خاقانی بوده است. به اینصورت که در بیشتر اشعارش از مضامین، اوزان و قافیه‌های مورد استفاده خاقانی استقبال کرده است. مانند:

خاقانی:

شبروان در صبح صادق کعبه جان دیده‌اند صبح را چون محرمان کعبه عریان دیده‌اند

(قصیده ۲۹، بیت ۱)

ثنائیی:

دیده را مستان شب صبحی که گریان صبح را چون چشم گریان خون به دامان

(قصیده ۳۶، بیت ۱)

نتیجه‌گیری

ثنائیی‌مشهدی از جمله شاعرانی است که علیرغم وجود ضعفهایی که در بعضی از اشعارش دیده میشود، توانسته از پیشگامان سبکی نو بنام سبک‌هندی بشمار آید و در عرصه ادبیات فارسی، عده‌ای دنباله‌رو او باشند. بیشترین شهرت او بخاطر نکته‌های غریب و مضامین تازه‌ای است که در قصایدش نمود یافته است در حالیکه در غزلیاتش همان شیوه‌ها و موضوعات معمول گذشتگان دیده میشود. در این مقاله، نگارندگان به واکاوی دیوان او پرداخته و آن را از جهات مختلف ادبی و هنری مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. در ابتدا بطور مختصر در مورد نسخه‌های خطی دیوان ثنائیی بحث شده است.

باتوجه به بررسیهای بعمل آمده در اشعار ثنائیی میتوان رد پای تقلید او را از شاعران گذشته مشاهده کرد؛ اما در کنار این اشعار تقلیدی، عناصر شاعرانه اشعار او به سه نوع عنصر کلی تقسیم میشود یکی عناصر زبانی و دیگری عناصر ادبی و عناصر عاطفه و اندیشه درونی شاعر، که در کنار این عناصر، مضامین اشعار ثنائیی بصورت تحلیلی، بررسی شده است. در ویژگیهای زبانی به واژگان خاص و ترکیبهای تازه‌ای برمیکوریم که خاص خود شاعر است و این ویژگی زبانی تا حدودی توانسته است به اشعار او تازگی بخشد. عناصر ادبی اعم از موسیقی و خیال است که شامل انواع شکلهای موسیقی نظیر: موسیقی بیرونی و درونی، موسیقی کناری و موسیقی معنوی است و در قسمت عناصر خیال، پرکاربردترین آرایه‌ها در اشعار ثنائیی‌مشهدی به تشبیه (بیشتر از نوع اضافه تشبیهی)، استعاره، تشخیص و کنایه تعلق دارد. شاعر به مدد استفاده از صورخیال و کاربرد

آرایه‌های گوناگون توانسته است؛ به اشعار خود پویایی و سرزندگی بخشد. عناصر عاطفه و اندیشه درونی شاعر در بردارنده سه نوع عاطفه فردی، اجتماعی و بشری است. زمانیکه او به عنصر عاطفه توجه نموده، بدلیل برتری این عنصر بر دیگر عناصر شعری، توانسته است اشعار زیبایی بسراید. درانتها به پرکاربردترین مضامین اشعار او توجه شده است.

منابع و مأخذ

۱. ادوارشعر فارسی. شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). تهران: سخن.
۲. اساس الاقتباس. نصیرالدین طوسی (خواجه)، محمد بن محمد. (۱۳۷۶). به تصحیح مدرس رضوی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ پنجم.
۳. انواع ادبی و آثار آن در ادب فارسی. رزمجو، حسین. (۱۳۷۰). مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۴. بررسی آثار ثنایی مشهدی با تکیه بر جنبه‌های سبک‌شناسی. مدبری، محمود و قنبری‌ننیز، خورشید. (۱۳۹۱). فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، زمستان ۹۱، شماره چهارم.
۵. بهارستان سخن. دنبلی، عبدالرزاق. مدارس. ۱۹۵۸.
۶. بیان. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). تهران: انتشارات فردوس. چاپ نهم.
۷. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر در مه. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
۸. تاریخ ادبیات فارسی. اته، هرمان. (۲۵۳۶). ترجمه رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (تا پایان قرن دهم هجری). نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تهران: فروغی.
۱۰. تاریخ ادبیات ایران. سبحانی، توفیق. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. چاپ اول.
۱۱. تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین، اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۸). مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، جلد دوم. تهران: اساطیر، چاپ اول.
۱۲. تذکره هفت اقلیم. رازی، امین احمد. (۱۳۷۸). جلد دوم. تهران: سروش. چاپ اول.
۱۳. تذکره ریاض الشعرا. واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۳). مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی. جلد اول تهران: اساطیر. چاپ اول.
۱۴. تذکره میخانه. فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی. (۱۳۶۲). مصحح احمد گلچین معانی. تهران: اقبال.
۱۵. دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش). رسولی محمد. (۱۳۸۰). جلد چهارم. بخش یکم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. دوره بازگشت و سبک هندی. خاتمی، احمد. (۱۳۸۵). تهران: پایا. چاپ اول.
۱۷. دیوان اشعار. ثنایی مشهدی، حسین. نسخه خطی مدرسه عالی مطهری (سپهسالار)، شماره ۳۷۵.
۱۸. دیوان اشعار. ثنایی مشهدی، حسین. مقدمه، تصحیح و تعلیقات فاطمه مینا. رساله دکتری.

۱۹. دیوان خاقانی شروانی. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار. (۱۳۳۸). به کوشش ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوار.
۲۰. رستاخیز کلمات. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). تهران: سخن. ۱۳۹۱.
۲۱. شناخت‌نامه و معرفی توصیفی آثار خواجه‌حسین ثنائی. رادفر، ابوالقاسم و قنبری نینز، خورشید. (۱۳۹۲). کهن‌نامه ادب‌فارسی. پاییز ۹۲. شماره ۳ (پیاپی ۹).
۲۲. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. بخش دوم از جلد پنجم. تهران: انتشارات فردوس. چاپ چهارم.
۲۳. طرز‌تازه (سبک‌شناسی غزل سبک‌هندی). حسن‌پورآلاشتی، حسین. (۱۳۸۴). تهران: سخن. چاپ اول.
۲۴. فن شعر. ارسطو. (۱۳۵۳). ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم.
۲۵. گردباد شور جنون. شمس‌لنگرودی، محمد. (۱۳۶۷). تهران: نشر چشمه. چاپ دوم.
۲۶. لغت‌نامه دهخدا و دو اشتباه در مورد خواجه‌حسین ثنائی مشهدی. کوپا، فاطمه و رضایی، احترام. (۱۳۹۲). فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهارادب). بهار ۹۲. شماره ۱۹.
۲۷. مآثر رحیمی. نهاوندی، عبدالباقی. (۱۳۸۱). به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۸. مجمع‌الخواص. کتابدار، صادقی. (۱۳۲۷). ترجمه عبدالرسول خیامپور. تبریز: اخترشمال.
۲۹. مقدمه بر زیباشناسی. هگل، گئورگ ویلهلم فردریش. (۱۳۶۳). ترجمه محمود عبادیان، تهران: نشر آوازه.
۳۰. مکتب وقوع در شعر فارسی. گلچین معانی، احمد. (۱۳۷۴). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. چاپ اول.
۳۱. منتخب التواریخ. بداؤنی، عبدالقادر ملوک‌شاه. (۱۸۶۸). به تصحیح مولوی احمد علی صاحب کلکته: کالج پریس.
۳۲. نگاهی تازه به بدیع. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). تهران: میترا. چاپ سوم.
۳۳. وزن شعر فارسی. خانلری، پرویز. (۱۳۶۱). تهران: انتشارات توس. چاپ چهارم.
۳۴. وزن و قافیه شعر فارسی. وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۲). تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ سوم.